

## چرایی نماز خواندن و چگونگی نماز اثرگذار



دکتر امیرحسین رستگار موقنم  
پژوهشگر و مدرس

نماز فرمان الهی است. خداوند در آیه شریفه الهی فرموده است: «نماز را در دو طرف روز (صبح و بعدازظهر) و اوایل شب بر پا مدار چرا که حسنات آثار و نتایج سیئات را از بین می برد.» (هود/۱۱۴) حال اگر به این امر الهی بی توجه و بی اعتنا باشیم، چه اتفاقی ممکن است پیش بیاید؟ بهتر است با هم یک بار دیگر داستان خلقت و سجده نکردن شیطان بر آدم<sup>(ع)</sup> را مرور کنیم و مشاهده کنیم چه درس هایی را می توان از آن گرفت. داستان سجده نکردن شیطان بر آدم این گونه است که خداوند متعال بعد از آنکه پیکر آدم را طراحی کرد و از روح و وجود خود بر آن دمید و بدان هنگام آدم جان گرفت و ایستاد، فرمان الهی برای همه ملائکه آمد که باید بر آن سجده کنید. همه به سجده افتادند و فقط شیطان سجده نکرد و خودش را برتر از آدم دید و گفت که من بهتر از او هستم، چون مرا از آتش خلق کرده ای و او را از خاک و گل کثیف خداوند او را از میان ملائکه و زمهره آن ها بیرون کرد.

شیطان از خداوند تا روز معین مهلت خواست و خداوند به او مهلت داد و دستش را برای هر کاری باز گذاشت. پس شیطان هر کاری را که اذن الهی باشد، انجام می دهد. شیطان مغرور و سرمست از این مهلت الهی، گفت که من همه انسان ها را می فریبم و سپس از پیش رو و پشت سر و سمت راست و سمت چپشان می آیم و خواهی دید که بسیاری از آن ها شکرگزار نخواهند بود. (اعراف/۱۱) به بعد) اولین سؤال، چرا شیطان رانده شد؟ در حالی که حضرت امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> می فرمایند: شیطان، خداوند متعال را شش هزار سال عبادت کرد و کسی نمی داند از سال های دنیایی است یا از سال های اخروی، پس کیست بعد از ابلیس که از عذاب پروردگار سلامت بماند، در حالی که در معصیتی همچون ابلیس اقدام کرده باشد، نه این گونه نیست.

خداوند متعال آدمی را به خاطر امری که به سبب آن امر، ملکی از ملائکه را از بهشت خارج کرده است، داخل بهشت نمی کند، چرا که حکم خداوند در حق اهل آسمان و زمین یکی است و میان خداوند متعال و میان هیچیک از خلق او رخصت و محبت وجود ندارد که قرقگاه الهی را که بر همه عالمیان حرام گردانیده شده است، مباح بدارند. (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۲ مشهور به خطبه قاصعه)

یعنی خداوند متعال دو منطقه را در اختیار دارد که یکی قرق شده است و کسی نباید در آن وارد شود و یکی را اجازه داده است که هر کس می تواند در آن وارد شده و از مزایای آن نیز بهره مند شود. آنجا که باید وارد شد، اوامر الهی است و در غیر آن، اجازه ورود ندارد و قرقگاه الهی است و هیچ کسی از عالمیان حق ورود ندارد. پس نماز امر الهی است باید در آن وارد شد و اگر کسی به هر دلیلی آن را واند و از آن سرپیچی کند، رانده شده از درگاه الهی خواهد بود، همان گونه که شیطان رانده شد زیرا امر الهی را اطاعت نکرد.

پس چنانچه کسی به دلیل سرپیچی و از روی عمد نماز را ترک کند، همانا او همان حکم شیطان انسی را خواهد داشت که از رحمت الهی به دور خواهد بود، البته خداوند متعال به این گونه افراد آنچنان مهلت می دهد که حتی تارک نماز گمان می کند آدم خوبی است که حتی کارها برایش آسان می شود، این همان غروری است که خداوند متعال فرمود: «ای انسان، چه چیزی تو را در برابر خداوند کریمت مغرور ساخت؟!» (انفطار/۸۲)

اما اکنون که نماز و امر الهی را قرار است به جای آورد، چگونه باید آن را انجام دهد که موجب رضایت الهی باشد؟

خدای تعالی فرمود: «وای به حال نمازگزاران!» (ماعون/۴) این سؤال پیش می آید که چرا وای به حال نمازگزاران در حالی که باید می فرمود، وای به حال کسانی که نماز نمی خوانند؟ خداوند در ادامه آیه شریفه الهی می فرماید: «کسانی که از نمازشان (عن صلاتهم) سهوکننده هستند،» (ماعون/۵) در اینجا چرا نفرمود «فی صلاتهم،» (در نمازشان) بلکه فرمود «عن صلاتهم،» (از نمازشان) شاید دلایل این باشد که برخی کسانی هستند که از اصل نمازشان غفلت و نسبت به آن سهل انگاری می کنند که باید برای چه کسی نماز بخوانند، به همین دلیل در ادامه می فرماید: «کسانی که ریاکارند و کسانی که دیگران را از لوازم ضروری زندگی شان مانع می شوند. (ماعون/۷ و ۶) پس باید نماز را تنها و تنها برای اجابت امر الهی به جای آورد و در غیر این صورت مورد خطاب و تهنیب الهی قرار خواهند گرفت که فرمود: «وای بر نمازگزاران.»

نمازگزارانی که سهل انگارند و از امر الهی غفلت می کنند و امر الهی را برای اینکه به دیگران نشان دهند، به جامی آورند. همچنین نمازگزارانی که مانع آرامش زندگی دیگران هستند و فقط برای حفظ ظاهر نماز می خوانند. پس نمازی دارای اثر است که فقط برای اطاعت امر الهی باشد، هر چند در آن سهو کنند، اگر نمازخواندن برای خدا و اجابت امر الهی باشد، این مقدار از نقص نماز را ان شاء... به کرم خودش خواهد پذیرفت.

### بیرس و بدان

### حکم خمس کتاب های شخصی

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید با ارسال پیامک پرسش های خود به شماره ۰۷۲۸۹-۳۰۰۰ با ما در ارتباط باشید.

- سلام خدمت شما، ما اغلب کتاب هایی داریم که شخصی اند و آن ها را مطالعه کرده ایم و مدتی است از آن ها استفاده نمی کنیم ولی ممکن است در آینده لازم شوند، آیا باید در حسابرسی خمس، آن کتاب ها را محاسبه کنیم؟

#### ● آیت...العظمی خامنه ای:

اگر کتاب ها در زمان خرید مورد نیاز او برای مراجعه و مطالعه بوده و مقدار آن هم مناسب شأن عرفی او باشد، خمس ندارد، حتی اگر پس از سال اول از آن استفاده نکند. همچنین اگر کتاب ها به او ارث رسیده و یا از طرف پدر و مادر و یا دیگران به او هدیه شده باشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

#### ● آیت... العظمی مکارم شیرازی:

کسی کتاب هایی را که از درآمد کسب و کارش می خرد چنانچه مورد نیازش باشد خمس ندارد، ولی اگر فعلاً نیازی به آن ندارد و مقصودش استفاده در آینده است، خمس به آن تعلق می گیرد. (اگر در تمام طول سال نیز از آن استفاده نکند، ولی وجود آن کتاب برای مواقع ضروری در کتابخانه لازم است، نیاز محسوب می شود.)

#### ● آیت... العظمی سیستانی:

اگر حدود یک سال پیش تعدادی کتاب خریده شود ولی از آن ها استفاده نشود، خمس آن ها به قیمت فعلی باید حساب شود.

#### ● آیت... العظمی سبحانی:

خمس ندارد و ... العالم.

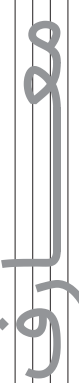
#### ● آیت... العظمی وحید خراسانی:

در صورتی که کتاب مورد نیاز تا یک سال استفاده نشود، باید خمس آن را بپردازد.



اشنبه  
۱۳۰۵  
۱۳۰۵  
۱۳۰۵  
شماره ۳۸۵۵

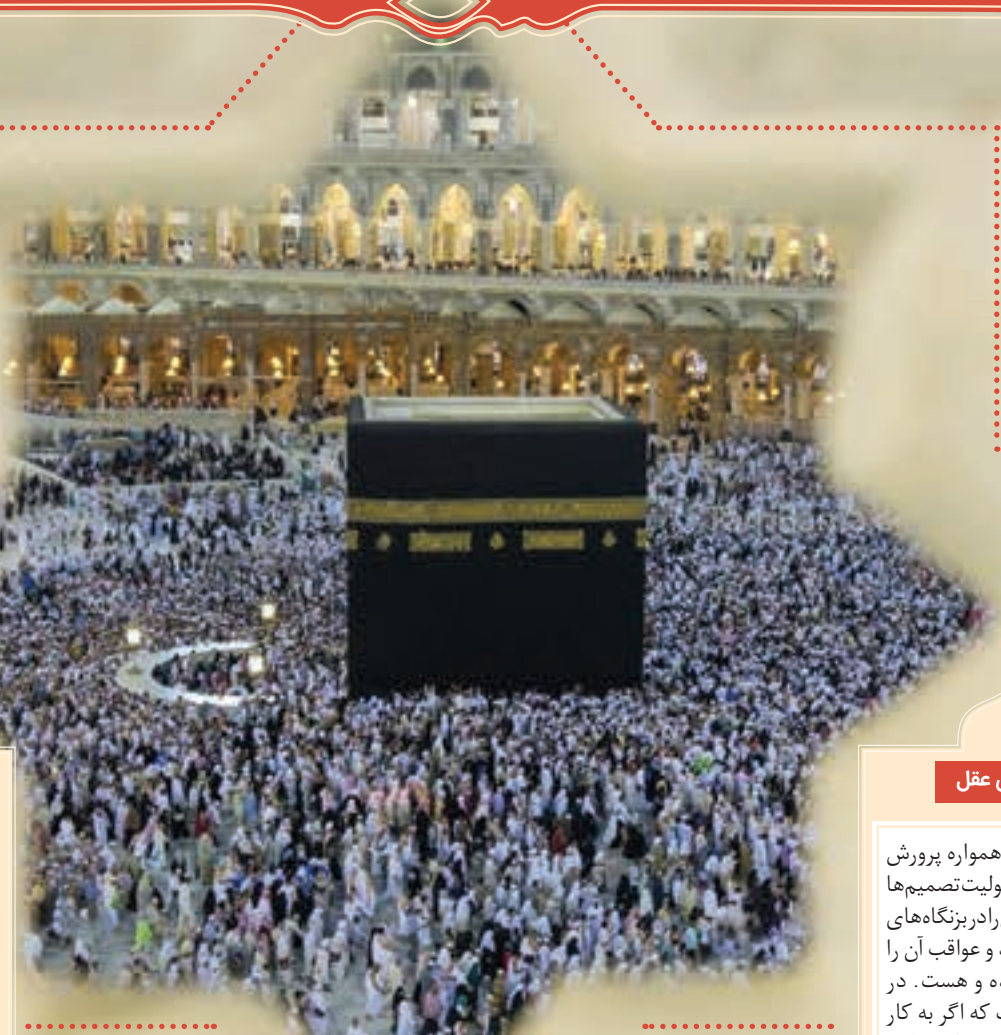
۱۴



## در مسیر قرب الهی

چند ویژگی مهم عبودیت را بر اساس آیات و روایات بدانیم

مسعود فرشته پورا از اولین روزهایی که چشمان در این دنیا باز می شود، در تلاش هستیم رضایت افرادی را که خدمتی به ما می کنند یا دوستشان داریم، برآورده کنیم. مادر اولین کسی است که کودک تازه متولد شده روز به روز که می گذرد، بیشتر عاشقش می شود و همه تلاشش را برای کسب رضایت او می گذارد. همان طور که می دانیم رضایت والدین از فرزند در طول رضایت الهی است. در فرهنگ اسلامی اهمیت احترام به والدین انکارنشدنی است. همه ما در یک نظام گسترده تلاش می کنیم با رعایت آنچه در اصول فکری و دینی ما آمده است، رضایت خالق هستنی که بیش از مادر و پدرمان دوستان دارد و به فکر عاقبت به خیری ماست، کسب کنیم. اما مگر می شود او که مهربان تر از پدر و مادرمان است، مسیر سعادت را نشانمان ندهد. در ادامه با مواردی آشنا می شویم که با کمک آن ها می توانیم راه بندگی و عبودیت پروردگار را گم نکنیم.



### لوازم توحید

● ساختن جامعه توحیدی ممکن نیست مگر اینکه افراد آن جامعه موحد باشند و به توحید رسیده باشند.

### ایمان

● موارد قبلی باید در قلب هایمان نفوذ کند و این بینش ها بر قلوب بنشینند. ● حکم فرمانی این عوامل بر جان ماست که سازندگی به همراه دارد. ● کسی که مؤمن است همه هستی را هماهنگ و همراه می بیند. ● انسان مؤمن برای هر حرکتش حساب باز می کند و در هستی منظم هدف دار، بی هدف گام برنمی دارد.

توحید واقعی زمانی محقق می شود که افکار ما منجر به عمل شوند و اعمال ما علتی جز پروردگار نداشته باشند.

امام باقر<sup>(ع)</sup> می فرماید: «ایمان، اقرار است و عمل، و اسلام، اقرار است بدون عمل.» (تحف العقول ص ۲۹۷)

### شناخت نشانه ها

● آگاهی و شناخت یکی از بارزترین نقاط تربیتی ماست.

● اگر موارد قبلی تحقق یابند، شناخت ها به تسلیم و اسلام ختم می شوند.

پیامبر<sup>(ص)</sup> برای اسلام دو نشانه ذکر می کنند:

اول، مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند. مسلمان یعنی انسان سالم و صالح. دوم، کسی که در رابطه با امور مسلمین اهتمام نداشته باشد. مسلمان نیست. مصلح بودن انسان هم مهم و ضروری است.

### شکر نعمت

● از ابتدای خلقت، داستان آدمی داستان کفر و شکر است. ● خداوند در قرآن کریم ذکر کرده است: «لئن شکرتم لا زیدنکم - اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود.» ● ما همواره در معرض امتحانات الهی متعددی هستیم، عکس العملی که داریم نشان دهنده عمق ایمان، کذب، شکر و کفر ماست.

● شکر بر محرومیت باید بیشتر از شکر بر دارایی ها باشد. ● صبر، شکر و طلب این ها عکس العمل های گوناگونی هستند که در مراحل مختلف از انسان سر می زند. ● با شناخت، عشق، عمل، سیاس و منت پذیری در هر موقعیتی، شکر صورت می گیرد.

امام سجاد<sup>(ع)</sup> می فرماید: خدای من! شکر و سپاس مرا بر آنچه مرا از آن محروم کرده ای بیشتر کن از شکرو سپاسی که من بر نعمت های تو دارم.

### حر و آزاده

● منظور از آزادی، رهایی از عادت ها، گرفتاری ها، منافع، غرایز و ... در فضای افکار، احساسات و رفتار است.

● انسان قبل از شروع حرکت باید آزاد شود و از هواها، تعصب ها و عادت ها خلاصی یابد.

● تربیت باید خروجی اش یک چنین انسان آزاده و آزادهای باشد.

● انسان می تواند با کمک دو نیروی حقیقت طلبی و کنجکاوی از این عوامل آزاد شود.

● کنجکاوی فکر را حرکت می دهد. ● حقیقت طلبی آن را کنترل می کند.

امام صادق<sup>(ع)</sup> می فرماید: پنج خصلت است که در هر کس یکی از آن ها نباشد، خیر و بهره زیادی در او نیست:

### وفاداری

### تدبیر

### شرم و حیا

### خوش خویی

(خصال ۳۳/۲۸۴)

### خوب، خوبی کردن

● محسن در اصطلاح وسیرواره شناسی قرآن به کسی می گویند که هم خوب عمل می کند و هم کار خوب را به درستی انجام می دهد.

● احسان یعنی خوب، خوبی کردن. تا سختی، پایداری، صبر و عمل نباشد احسان شکل نمی یابد و رشدی نمی کند.

● انجام اوامر الهی را با زیبایی و دل خوش همراه می کند.

● کار پسندیده را با روش درست و مناسبی به انجام می رساند.

امام صادق<sup>(ع)</sup> می فرماید: احسان و نیکی کامل نباشد، مگر با سه خصلت: شتاب در آن، کم شمردن بسیار آن و منت نهادهن بر آن.

(تحف العقول ص ۲۲۳)

● برای همه والدین همواره پرورش انسان اندیشمند که مسئولیت تصمیم ها و انتخاب های زندگی اش را در بزرگانه های گوناگون بر دوش بگیرد و عواقب آن را بپذیرد، مورد توجه بوده و هست. در درون ما نیروهایی است که اگر به کار گرفته شوند، ما را به رشد و حرکت هایی می رسانند که خارج از حد تصور ماست.

● این در حالی است که غفلت از این نیروها، ما را به رکود می کشاند. همین است که شیطان ما را از ذاتمان دور می کند و در غفلت نگاه می دارد.

● انسان بر اساس یک امتیاز، یک نیروی برتر، می تواند از ادراکاتش نتیجه گیری کند. این نیروی متمایز تفکر است. روشنی بخش مسیر حرکتی انسان تفکراتش است.

حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می فرمایند: ریشه سالم ماندن از لغزش ها، اندیشیدن پیش از عمل کردن است و سنجیدن پیش از سخن گفتن. (غرر الحکم ۲۰۰۸)

● انسان رشد یافته می داند که فقط با تفکر می تواند به شناخت، کشف، شکوفایی استعداد ها و سرمایه ها برسد. فکر انسان همانند یک قطب نما می تواند راه را روشن کند، به شرط اینکه تحت تأثیر خواسته های درونی و بیرونی قرار نگرفته باشد.

### بدون بن بست

● تقوا، میزان عملی دین است. در این مرحله انسان خدا را پیوسته شاهد اعمال خود می داند.

● «ان الله بما تعملون بصیر - خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.» ● «ان ربک لبالمرصاد - به درستی که خداوند در کمینگاه (ستمگران) است.»

● افرادی که به تقوا می رسند و ورع دارند (خود نگهدار) هستند. نتیجه اش این می شود:

● این افراد بن بستى در کارشان نخواهد بود ● توکل می کنند و بر خدا تکیه دارند ● به هیچ کس و هیچ چیز وابستگی ندارند.

همان گونه که خداوند در قرآن کریم می فرماید: و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش را نافذ و روان می سازد و بر هر چیز قدر و اندازه ای مقور داشته است.

(طلاق ع ۱۲۰۲)

● عبودیت عبادتی است که مهم ترین کار در لحظه است، برای همه ما، فقط برای خدا.

● عبودیت نظارت بر حرکت های انسان دارد و در نهایت عبودیت، بنیاد رسالت محمد های تاریخ است. «شهدان محمد ا عبده و رسوله»